

بررسی چگونگی کارآمدی مؤلفه «شفاف‌سازی» الگوی برمن در ارزیابی ترجمه قرآن: موردپژوهی ترجمه رضایی اصفهانی

شهریار نیازی (گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)
انسبه سادات هاشمی* (گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

چکیده

ترجمه قرآن به‌عنوان حساس‌ترین متن مقدس، نیاز به ارزیابی دقیق دارد. ارزیابی نظام‌مند باید بر پایه نظریه‌ها و الگوهای علمی صورت بگیرد. از آنجا که تاکنون الگوی جامعی برای ارزیابی ترجمه قرآن ارائه نشده، لازم است ابتدا کارآمدی الگوهای موجود در مطالعات ترجمه در ارزیابی ترجمه قرآن بررسی شود. نظریه‌پردازان ترجمه الگوهای مختلفی برای ارزیابی ترجمه ارائه داده‌اند. در این میان الگوی ارزیابی ترجمه آنتوان برمن که بر حفظ اصالت متن مبدأ و اجتناب از ایجاد تغییر در ترجمه تأکید دارد، برای ارزیابی ترجمه مبدأگرایی رضایی اصفهانی از قرآن کریم انتخاب شده است. بخش‌های بررسی شده این تحقیق را ترجمه سوره‌های انفال، توبه، احزاب، حجرات و تحریم تشکیل می‌دهد. برمن رویکردی منفی به ترجمه‌های آزاد و مقصدمحور دارد و در الگوی خود به سیزده گرایش ریخت‌شکنانه در ترجمه اشاره می‌کند. پژوهش حاضر به قصد بررسی میزان کارآمدی الگوی برمن در ارزیابی ترجمه قرآن، گرایش شفاف‌سازی را در ترجمه رضایی اصفهانی بررسی کرده است. این بررسی نشان می‌دهد که در مواردی به دلیل فقدان تأنیث و تئیه در زبان فارسی، اصطلاحات و اشتقاقیات عربی بدون معادل در زبان فارسی و واژگان عربی چندمعنا، شفاف‌سازی در ترجمه قرآن اجتناب‌ناپذیر است، اما در سایر موارد شفاف‌سازی اختیاری است و میزان ضرورت آن با توجه به رویکرد ترجمه مشخص می‌شود. ابهام‌های هدفمند قرآن مانند حروف مقطعه در تمام انواع ترجمه و ابهام آیات متشابه معنوی در ترجمه

* نویسنده مسئول nc.hashemi65@gmail.com

مبدأگرا باید حفظ شود. از راهکارهای اجتناب از شفاف‌سازی می‌توان حفظ حذف‌های هدفمند به قرینه لفظی یا معنوی و ابهام هدفمند ضمیر و اسم‌های اشاره، حفظ مجاز و استعاره و اکتفا به کمترین تغییر و اجتناب از توضیحات تفسیری و تعیین مصادیق را نام برد.

کلیدواژه‌ها: الگوی ارزیابی ترجمه، ارزیابی ترجمه قرآن، آنتوان برمن، رضایی اصفهانی، شفاف‌سازی

۱. مقدمه

قرآن کریم ویژگی‌هایی دارد که آن را از سایر کتب آسمانی متمایز کرده است. نخست آن‌که تمام عبارات و الفاظ قرآن، سخن خدا و ساخته اوست. دیگر آنکه قرآن کتاب هدایت همگانی و معجزه جاوید اسلام است. با توجه به ویژگی اول انتقال معانی قرآن به همان شیوایی که خداوند بیان داشته، امکان ندارد و نمی‌تواند جنبه قدسیت قرآن را داشته باشد. اما براساس ویژگی دوم ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر برای آشنا کردن ملت‌های بیگانه از زبان عرب با حقایق و معارف قرآنی ضرورت دارد (معرفت، ۱۳۸۲، ص. ۱۸۷). از آنجا که ترجمه، انتقال مفهوم از یک زبان به زبان دیگر با رعایت دقایق و ظرایف هر دو زبان است، هرچه متن اصلی دقیق‌تر و پرمحتواتر باشد، ترجمه باید به همان نسبت از دقت بیشتر برخوردار باشد و اگر متن اصلی متنی باشد که از جانب خالق هستی برای هدایت خلق فرو فرستاده شده، باید ترجمه آن‌چنان جامعیت داشته باشد که ضمن انتقال مفاهیم والای موجود در متن اصلی از اظهار نظر شخصی و استنباط‌های بدون دلیل معتبر محفوظ باشد (معرفت، ۱۳۸۲، ص. ۱۹۹). بر این اساس، ترجمه‌های قرآن در بالاترین درجه حساسیت قرار دارند و باید دقیق ارزیابی شوند. اگرچه سال‌هاست که نقد و ارزیابی ترجمه قرآن در کتاب‌ها و مقالات مختلفی صورت می‌گیرد، اما این نقدها غالباً از مبانی ارزیابی خاصی پیروی نکرده و اگر گاهی نیز مبانی معناشناسی و زبان‌شناسی در ترجمه‌ها به کار می‌رفته، بیشتر تابع خلاقیت‌های فردی منتقدان و میزان دانش زبانی و آشنایی آن‌ها با مبانی زبان‌شناسی روزگار خود بوده است (هاشمی و حیدرپور، ۱۳۹۲، ص.

۴۵). رشته مطالعات ترجمه با هدف بررسی محصول ترجمه، فرایندهای اجتماعی و ذهنی آن و نقش ترجمه در جوامع گوناگون از دهه ۱۹۸۰ به صورت یک میان‌رشته وارد عرصه شد (فرحزاد، ۱۳۹۴، ص. ۱۸۹) تا ترجمه و نقد آن مسیری علمی و نظری پیدا کند. از آن زمان تاکنون نظریه‌پردازان ترجمه الگوهای مختلفی برای ارزیابی ترجمه ارائه داده‌اند. اما تاکنون برای ارزیابی ترجمه از عربی به فارسی و به‌طور خاص ترجمه قرآن، الگوی علمی دقیقی ارائه نشده است. برای ارائه چنین الگویی ابتدا لازم است الگوهای موجود بررسی شده، میزان کارآمدی آن‌ها در ارزیابی ترجمه قرآن مشخص شود. در همین راستا، این مقاله الگوی آنتوان برمن را موضوع کار خود قرار داده است تا با ارزیابی ترجمه مبدأ‌گرای رضایی اصفهانی براساس این الگو، میزان کارآمدی آن را در نقد ترجمه قرآن بررسی کند. الگوی برمن بر حفظ اصالت متن مبدأ تأکید دارد. او با ارائه سیزده گرایش ریخت‌شکنانه در ترجمه، به تغییراتی اشاره می‌کند که مترجمان در ترجمه‌های آزاد اعمال می‌کنند و آن‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دهد. پژوهش پیش‌رو از میان این سیزده گرایش، به بررسی گرایش شفاف‌سازی می‌پردازد تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. مؤلفه شفاف‌سازی الگوی برمن تا چه میزان در ارزیابی ترجمه قرآن کارآمد است؟
۲. شفاف‌سازی در ترجمه قرآن در چه مواردی صورت می‌گیرد و تا چه میزان امکان اجتناب از آن وجود دارد؟
۳. راهکارهای اجتناب از شفاف‌سازی در ترجمه قرآن چیست؟
۴. با توجه به دیدگاه قرآن‌پژوهان چه رویکردی می‌توان نسبت به شفاف‌سازی در ترجمه قرآن اتخاذ کرد؟

۲. پیشینه و چارچوب نظری پژوهش

۲.۱. پیشینه پژوهش

تاکنون مقالات بسیاری در نقد ترجمه‌های قرآن نوشته شده است. این مقالات تا مدت‌ها به شکل سنتی و تجربی و بدون توجه به مبانی نظری و الگوهای ارزیابی صورت می‌گرفت. حجت (۱۳۷۹) در مقاله‌ای نقد‌های ترجمه قرآن را تا سال ۱۳۷۹ دسته‌بندی می‌کند. در این دسته‌بندی نقدها به دو دسته صوری و محتوایی تقسیم می‌شوند.

نقدهای صوری گاهی به یک ترجمه خاص اختصاص پیدا می‌کنند و گاهی عام هستند. نقدهای خاص گاهی ترتیبی هستند، به این صورت که تمام ترجمه یا قسمتی از آن را به ترتیب آیات مورد نقد قرار می‌دهند. مانند نقدهای محمدعلی کوشا از چندین ترجمه قرآن و گاه عنوان‌یافته هستند به این صورت که یکی از لغزش‌گاه‌های ترجمه مشخص شده، مصادیق آن از یک ترجمه خاص استخراج می‌شود. مانند نقد مرتضی کریمی‌نیا (۱۳۷۵) از ترجمه مکارم شیرازی. در مقابل، نقدهای عام برای لغزش‌گاه‌های ترجمه مصادیقی از ترجمه‌های مختلف پیدا می‌کنند. این نقدها گاه به صورت موضوعی هستند، مانند مقاله مرتضی کرباسی (۱۳۷۳) با عنوان «مترجمان و لغزش در فهم معنای إن» و مجموعه مقالات حسین استادولی (۱۳۷۳) با عنوان «لغزش‌گاه‌های ترجمه قرآن کریم» و گاه به صورت ضمنی در لابلای کتب و مقالات یافت می‌شوند. نقدهای ترجمه قرآن را از نظر محتوایی می‌توان به نقد روساخت و ژرف‌ساخت تقسیم کرد. نقدهای روساخت به ساختار ظاهری جمله، نکات دستوری و ویرایشی و نگارشی می‌پردازند و نقدهای ژرف‌ساخت به مباحث فراواژه‌ای و فراجمله‌ای پرداخته، بازتاب معنایی واژه‌ها و نتایج کلامی و اعتقادی ترجمه نادرست را بررسی می‌کنند. (حجت، ۱۳۷۹، ص. ۷۲-۸۲).

در سال‌های اخیر الگوهای ارزیابی ترجمه در نقد ترجمه قرآن راه پیدا کرده‌اند. برای مثال امیری‌فر، روشنفکر، پروینی و زعفران‌لو (۱۳۹۶) دیدگاه نیومارک، بیکر و لارسون را در بررسی خطاهای ترجمه در باهم‌آیی‌های قرآنی به عنوان الگو

برگزیده‌اند. مسبوق و غلامی (۱۳۹۶) نیز از الگوی نیومارک برای بررسی ترجمه استعاره‌های قرآن کمک گرفته‌اند. زندوکیلی و امرایی (۱۳۹۶) الگوی انسجام هالیدی و حسن را در بررسی ترجمه فولادوند به کار گرفته‌اند.

الگوی آنتوان برمن در بررسی ترجمه‌های عربی به فارسی تاکنون توسط دلشاد (۱۳۹۴) در ارزیابی ترجمه نهج البلاغه و توسط مسبوق و گلزار خجسته (۱۳۹۶) در نقد ترجمه حکمت‌های رضوی و نیز توسط فرهادی، میرزایی و نظری (۱۳۹۶) در ارزیابی ترجمه صحیفه سجادیه به کار رفته است. افضل‌ی و یوسفی (۱۳۹۳) نیز این الگو را در ارزیابی ترجمه گلستان سعدی به عربی مد نظر قرار داده‌اند. این مقالات بعضی از مؤلفه‌های الگوی برمن را در ترجمه‌های منتخب بررسی کرده‌اند و بر آن اساس میزان وفاداری ترجمه‌ها را سنجیده‌اند. در این مقالات الگوی برمن به‌عنوان معیار ارزیابی ترجمه مد نظر قرار گرفته، اما میزان کارآمدی آن در ارزیابی ترجمه‌های عربی بررسی نشده است.

مقاله حاضر بر خلاف پژوهش‌های گذشته، به جای تکیه بر الگو و ارزیابی ترجمه براساس آن، به بررسی کارآمدی الگو در ارزیابی ترجمه قرآن به زبان فارسی پرداخته، ارزیابی ترجمه رضایی اصفهانی را به‌عنوان نمونه‌ای برای بررسی الگو در نظر گرفته است. بنابراین در این مقاله هدف اولیه ارزیابی الگوست نه ترجمه.

۲.۲. چارچوب نظری پژوهش

در این پژوهش الگوی آنتوان برمن برای ارزیابی ترجمه‌های مبدأگرای قرآن کریم بررسی می‌شود. با توجه به ظرافت‌های متن مقدس قرآن بعضی از صاحب‌نظران ترجمه بر این عقیده‌اند که در ترجمه متون مقدسی همچون قرآن، رویکرد مقصدگرا از کارایی لازم برخوردار نیست و به جای آن مترجم چاره‌ای ندارد که به رویکرد مقابل آن یعنی رویکرد مبدأگرا روی آورد، چرا که در این شیوه از ترجمه اصالت به متن اصلی داده می‌شود و مترجم تلاش می‌کند تا آنجا که امکان آن فراهم باشد، ویژگی‌های زبانی، بدیعی، بلاغی و معنایی متن مبدأ را به متن مقصد انتقال دهد (غضنفری، ۱۳۸۹، ص. ۷۴). الگوی برمن که نگاهی مبدأگرا در نقد ترجمه دارد،

الگوی مناسبی برای بررسی ترجمه‌های مبدأگرای قرآن به نظر می‌رسد. در این پژوهش کارآمدی یکی از مؤلفه‌های این الگو در این زمینه بررسی می‌شود.

آنتوان برمن^۱ فیلسوف فرانسوی، مورخ و مترجم ادبیات آلمانی و اسپانیایی است (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص. ۳۵). او در ترجمه از پیروان فردریش شلایر ماخر، فیلسوف آلمانی به حساب می‌آید و اغلب از طریق نقد ترجمه‌های مترجمان کلاسیک و معاصر، نظریات خود را در مورد ترجمه مطرح می‌سازد. آنتوان برمن نظریه‌های سنتی ترجمه را که به ترجمه به‌عنوان یک بازسازی آراینده «معنی» می‌نگرند و در آن‌ها ترجمه همچون خادم معنی عمل می‌کند، شدیداً نقد می‌کند. به اعتقاد وی نباید ابهامات ذاتی زبان بیگانه را از بین برد و باید متن بیگانه را با همه غرابت‌هایش در زبان مقصد پذیرفت؛ به‌عبارت دیگر، زبان مقصد باید همچون مهمان‌سرایي در دوردست‌ها پذیرای این میهمان بیگانه به‌عنوان یک بیگانه باشد. از آثار او می‌توان به ترجمه و لفظ یا مهمان‌سرایي در دوردست^۲، آزمون بیگانه^۳ و ترجمه و جستجوی علمی^۴ اشاره کرد (امینی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۴).

برمن در کتاب ترجمه و لفظ یا مهمان‌سرایي در دوردست با انتقاد از دیدگاه رایج در ترجمه، به سه ویژگی منفی این دیدگاه اشاره کرده، می‌گوید «این دیدگاه، از نظر فرهنگی، قوم‌مدار (قوم مقصد)، از نظر ادبی، فزون‌متن و از نظر فلسفی افلاطونی است. این ماهیت سه‌گانه ماهیت اخلاقی، شاعرانه و متفکرانه ترجمه را می‌پوشاند» (امینی، ۱۳۸۸، ص. ۴۵). برمن (برمن، ۲۰۱۰، ص. ۴۴) ویژگی قوم‌مدار را این‌گونه تعریف می‌کند: «برگرداندن هر چیزی به فرهنگ، هنجارها و ارزش‌های خود با این اعتقاد که هر چیز بیگانه منفی است و باید برای افزایش غنای فرهنگ آن‌ها را با فرهنگ داخلی سازگار کرد». فزون‌متنی به معنای تغییر صوری در متن از طریق تقلید، اقتباس و سرقت ادبی است. ترجمه قوم‌مدار ناگزیر فزون‌متن و ترجمه فزون‌متن

1. Antoine Berman (1942-1991).

2. *La traduction et la lettre, ou L'auberge du lointain*

3. *L'Épreuve De l'Étranger*

4. *traduction et recherché scientifique*

ناگزیر قوم‌مدار است. از نظر برمن پیوند ترجمه با اخلاق، شعر، تفکر و مذهب در لفظ تعریف می‌شود و در نتیجه برای دست یافتن به این ابعاد باید سنت قوم‌مدار، فزون‌متن و افلاطونی ترجمه را تخریب کرد (برمن، ۲۰۱۰، ص. ۴۴-۴۸). برمن تخریب را از هایدگر می‌گیرد.

برمن در کتاب خود به بررسی گرایش‌هایی می‌پردازد که با اولویت‌دادن به معنی و ظاهر زیبا به تحریف اصل می‌پردازند. از نظر برمن ماهیت رمان با چنین کاری مخالف است؛ زیرا ساختار با معنا پیوند خورده و با تغییر ساختار معنا نیز تغییر می‌کند، پس باید ساختار حفظ شود (برمن، ۲۰۱۰، ص. ۷۵-۷۶). برمن تأکید می‌کند که تحلیل پیشنهادی او موقت است و براساس تجربه شخصی وی به‌عنوان مترجم (اساساً در ترجمه از ادبیات آمریکای لاتین به فرانسه) شکل گرفته است و برای اینکه به ارزیابی نظام‌مندی تبدیل شود، به مشارکت مترجمان در سایر زمینه‌ها (سایر زبان‌ها و آثار) و نیز زبان‌شناسان، ادبا و روانکاوان نیاز دارد. وی می‌گوید این تحلیل منفی باید توسط نقطه مقابل آن یعنی تحلیل مثبت گسترش پیدا کند. یعنی تحلیل عملیاتی که ریخت‌شکنی را محدود می‌کند، هرچند که این تحلیل، بصری و غیرنظام‌مند باشد. از نظر او این عملیات مثبت نوعی ضد سیستم را تشکیل می‌دهد که هدف آن خنثی‌سازی یا تضعیف گرایش‌های منفی است. ترکیب تحلیل مثبت و منفی یک الگوی ارزیابی ترجمه را ارائه می‌دهد که نه صرفاً توصیفی و نه صرفاً هنجاری است. به عقیده برمن تحلیل منفی او عمدتاً متوجه ترجمه‌های قوم‌گرا و استعمارگر و ترجمه‌های فرامتنی (ساختگی، تقلیدی، اقتباسی و بازنویسی آزاد) است که بازی تحریف متن آزادانه در آن‌ها صورت می‌گیرد (برمن، ۲۰۰۴، ص. ۲۸۶). سیزده گرایشی که برمن آن‌ها را عوامل ریخت‌شکنانه ترجمه می‌نامد در جدول ۱ آمده است.



نمودار ۱. گرایش های ریخت شکنانه ترجمه از منظر برمن

برمن در توضیح مؤلفه «شفاف سازی»^۱ می گوید:

شفاف سازی نتیجه منطقی سازی^۲ است و به طور خاص سطح «وضوح» کلمات و معانی آنها را مد نظر قرار می دهد. در مواردی که متن اصلی مشکلی با ابهام ندارد، زبان ادبی ما تمایل دارد که وضوح را به آن تحمیل کند. شفاف سازی برای بسیاری از مترجمان و مؤلفان اصلی ناگزیر به نظر می رسد. درست است که شفاف سازی ملزوم ترجمه است، به این اعتبار که هر ترجمه ای توضیح به شمار می رود، اما این مسئله می تواند دال بر دو مطلب باشد. توضیح می تواند آشکار سازی مطلبی باشد که آشکار نیست، اما در متن اصلی به عمد پنهان شده است. ترجمه با شفاف سازی، این عنصر پنهان شده را افشا می کند. این همان مطلبی است که هایدگر (۱۹۶۸) درباره فلسفه به

1. clarification

2. rationalization

آن اشاره کرده است: «روند تفکر به واسطه ترجمه، به روح یک زبان دیگر منتقل می‌شود و در نتیجه متحمل دگرگونی ناگزیری می‌شود. اما این دگرگونی می‌تواند مفید باشد؛ زیرا پرتوی جدید بر اساس مسئله می‌افکند». این قدرت روشنگری و بیان را همگام با هولدرلین، نهایت قدرت بر ترجمه می‌دانیم. ولی جنبه منفی شفاف‌سازی به آشکارسازی چیزی می‌پردازد که در متن اصلی نمی‌خواهد آشکار باشد. مثلاً انتقال از چندمعنایی به تک‌معنایی یکی از جلوه‌های شفاف‌سازی است و ترجمه شرح‌دهنده یا تفسیری یک شیوه دیگر است و این است که ما را به تحریفی دیگر یعنی اطناب می‌رساند. (برمن، ۲۰۰۴، ص. ۲۸۹)

با توجه به اینکه مؤلفه شفاف‌سازی در این مقاله در ترجمه قرآن بررسی می‌شود، نیاز است دیدگاه قرآن‌پژوهان نیز در این زمینه بررسی شود. ابهامات هدفمند قرآن را آیات متشابه از نظر معنایی تشکیل می‌دهند که در مقابل آیات محکم قرار دارند. آیات محکم آیاتی هستند که به روشنی نمایان‌گر معنا و مفهوم معینی هستند و مفاهیم و معانی دیگری در بر ندارند، اما آیات متشابه آیاتی هستند که ظاهر آن‌ها از مقصود و منظور خبر نمی‌دهد و معنی مورد نظر گوینده را آشکارا بیان نمی‌کند (معرفت، ۱۴۱۵). می‌توان گفت سه رویکرد در ترجمه آیات متشابه وجود دارد:

رویکرد اول: حفظ ابهام آیات متشابه

بعضی از صاحب‌نظران تأکید دارند که آیات متشابه و دیریاب قرآن کریم باید همان‌گونه ترجمه شوند تا اصل، آینه‌وار، با همه چگونگی‌هایش منعکس شود و ترجمه تا حد ممکن بیشترین شباهت را با اصل قرآن داشته باشد. به اعتقاد آن‌ها مترجم نباید الفاظی را بنا بر مشرب کلامی خویش در ترجمه استفاده کند تا آیه موافق با آن مذهب معنا بدهد؛ چون خواننده باید از طریق ترجمه، نخست با اصل قرآن کریم ارتباط برقرار کند، نه با تفسیر و برداشت مترجم که گاهی با برداشت مترجم دیگر متفاوت است (کریمی، ۱۳۸۳، ص. ۲۵).

معرفت (۱۳۸۲، ص. ۲۰۰) در بیان اصول ترجمه قرآن می‌گوید: «باید حروف مقطعه در اوایل سور بدون ترجمه و کلمات متشابه مانند «برهان» در آیه ۲۸ سوره

یوسف، «دأبئه» در آیه ۸۲ سوره نمل و «اعراف» در آیه ۴۶ سوره اعراف به همان حالت ابهام ترجمه شود و از شرح و تبیین آن‌ها خودداری شود.» از نظر وی شرح و تبیین این واژه‌ها از عهده مترجم خارج و به عهده تفسیر است (معرفت، ۱۳۷۹).

یکی از دلایل کسانی که قائلند متشابهات قرآن نباید ترجمه شوند، حکمتی است که سیوطی (۱۴۲۱) برای وجود آیات متشابه در قرآن کریم بیان می‌کند. وی می‌گوید:

اگر قرآن یکسره محکم بود تنها مطابق با یک مذهب واحد بود و به‌صراحت تمام مذاهب دیگر را باطل می‌نمود. این امری است که صاحبان دیگر مذاهب از پذیرش آن، نظر در آن و منفعت‌هایش بی‌بهره‌اند. اما اگر قرآن حاوی محکم و متشابه باشد، صاحب هر مذهبی امید دارد که نکته‌ای در تأیید مذهب و اعتقاد خویش در آن بیابد. بنابراین ارباب مذاهب همگی در آن نظر می‌کنند و هرکسی با هر مذهبی در تأمل و تدبیر در آن می‌کوشد. چون در این کار اهتمام بلیغ کنند، محکومات روشن‌کننده متشابهات می‌گردند. (سیوطی، ۱۴۲۱، ۶۲۲/۱)

براساس توضیح سیوطی، رفع ابهام آیات متشابه براساس مشرب کلامی مترجم، مفاهیم قرآن را در یک مذهب خاص محدود و صاحبان دیگر مذاهب را از پذیرش قرآن بی‌بهره می‌کند. ابوزید (۱۳۸۹) تنوع در میزان ابهام و اجمال را ویژگی زبانی قرآن می‌داند که باعث امکان رمزگشایی و وجود دلالت‌های چندلایه در آیات می‌شود:

متن قرآنی با این اختلاف آیات، تنها به تعیین هویت خود و تمایز یافتن از دیگر متون نمی‌پردازد، بلکه افزون بر اینها، با قرار دادن خود در معرض تفسیرها و تأویل‌های مختلف در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها، خویش را محور و اساس فرهنگ عربی‌اسلامی می‌سازد. متون با دلالت معین و روشن، دارای کارکرد خبری صرف هستند که وظیفه اصلی‌شان رمزگشایی از پیام و رسانیدن گیرنده به مضمون و محتوای پیام، به گونه کامل و نهایی است. این گونه متون تقریباً به تمامی، از داده‌های زبان عادی پیروی می‌کنند و به‌هیچ‌وجه، زبانی ویژه خود ابداع نمی‌کنند. این امر بر خلاف وضعیت متون برجسته و ممتاز است. در قرآن کریم سطوح زبانی مختلفی می‌یابیم: برخی آیات که در شمار اندکانند، کارکرد خبری و اطلاعاتی صرف دارند،

اما در دیگر آیات زبانی «ادبی» می‌یابیم که دلالت‌های توبرتو و سازوکارهای ابداعی ویژه خود دارد. (ابوزید، ۱۳۸۹، ص. ۳۱۴)

بر این اساس، شفاف‌سازی در قرآن تنوع زبانی آیات محکم و متشابه و چندلایگی دلالت‌های قرآنی را از بین می‌برد.

رویکرد دوم: رفع ابهام آیات متشابه

برخی از صاحب‌نظران با تأکید بر تلاش در جهت کاستن از واسطه‌های میان خوانندگان ترجمه و قرآن و فراهم کردن زمینه تماس بیشتر و بهتر آنان با اصل قرآن، برطرف کردن مشکل آیات متشابه را ضروری می‌دانند. این گروه بر این باورند که مترجم مسلمان نمی‌تواند و نباید از باورهای پذیرفته‌شده دینی دست بردارد. او باید قرآن را مطابق با اصول مسلم دین ترجمه کند، حتی مترجمان غیرمسلمان نیز باید باورهای مسلم اسلامی را رعایت کنند. در غیر این صورت، ترجمه بدآموزی داشته و ممکن است خواننده آن گرفتار باورهای نادرستی شود (کریمی، ۱۳۸۳، ص. ۲۵).

خزاعی‌فر (۱۳۸۶) شفاف‌سازی را یکی از تغییرات اجتناب‌ناپذیر در ترجمه قرآن می‌داند و می‌گوید:

وقتی آیه از صافی تفسیر بگذرد تا درک و به زبان دیگر بیان شود، معنی به‌ناچار محسوس‌تر و عینی‌تر می‌گردد. چون در سطح تفسیر (تفسیر مترجم) نازل شده و وسعت معنای کلمه با بند الفاظ زبان دیگر محدوده شده است. مترجم به تشخیص خود و با توجه به عواملی که در تصمیم‌گیری او مؤثر است، ابهامی را که در آیه است یا حفظ می‌کند یا با کاربرد استراتژی کاهش معنایی، آن را می‌زداید، یعنی تفسیر خود از آن آیه را به حداقل لفظ در ترجمه می‌آورد. در مجملات یعنی در مواردی که به دلایل گوناگون، از جمله ویژگی‌های خاص زبان قرآن و شیوه خاص بیان در زبان عربی، عنصری از متن حذف شده ولی قابل درک است، مترجم عباراتی به ترجمه می‌افزاید. هدف افزوده‌های زبانی آن است که متن ترجمه در نتیجه اختلاف‌های طبیعی که میان دو زبان از جهت شیوه بیان وجود دارد، به متنی بریده‌بریده و مبهم و ثقیل یا نامأنوس در زبان فارسی تبدیل نشود بلکه متن کاملاً براساس قابلیت‌های زبان

فارسی ترجمه شود و از فصاحت و روانی برخوردار باشد. (خزاعی فر، ۱۳۸۶، ص. ۱۰-۱۴)

رویکرد سوم: تقسیم‌بندی مجملات قرآن و پیش‌فرض‌های مترجمان

رضایی اصفهانی (۱۳۸۴) با اعتراف به اینکه مترجمان در بند پیش‌فرض‌های خود هستند، پیش‌فرض‌ها را به دو دسته ضروری و غیر ضروری تقسیم می‌کند. پیش‌فرض‌های ضروری همان مبانی ترجمه هستند که لازم است در ترجمه هر متن مد نظر قرار گیرند. اما پیش‌فرض‌های غیرضروری مانند پیش‌فرض‌های فلسفی، سیاسی، اجتماعی و دیدگاه‌های شخصی نباید در ترجمه دخالت داده شوند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۴، ص. ۵۵). او حد متوسطی از تبیین را در ترجمه قرآن معیار قرار می‌دهد و می‌گوید:

ترجمه نباید با تفسیر و مبانی کلامی خاص مترجم مخلوط شود، چون رهنز می‌شود، ولی رعایت قطعی و اصول مسلم اعتقادی که از خود قرآن و عقل به دست می‌آید لازم است. به عبارت دیگر ارجاع متشابهات به محکومات برای فهم مقصود قرآن ضروری است و برای جلوگیری از خلط ترجمه و تفسیر و مبانی کلامی می‌توان از پراگماتیک استفاده کرد و تأثیرات را به حداقل کاهش داد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ص. ۶۳) از سوی دیگر می‌توان میزان شفافیت و ابهام تعبیر قرآنی را با استفاده از تقسیم‌بندی اصولیون تعیین کرد. پیشینیان ترکیب‌های زبانی را براساس سازوکارهای رابط میان منطوق لفظی و مفهوم ذهنی به چهار دسته تقسیم می‌کنند: نخست «نص» است که منطوق آن بر معنایی روشن و قطعی دلالت می‌کند. دوم «ظاهر» که منطوقش دو معنا را می‌رساند؛ آن معنا که ظهور دارد، راجح است. سوم «تأویل» که در آن منطوق بر دو معنا دلالت می‌کند؛ اما به عکس نوع دوم معنای راجح آن معنای غیر ظاهر است و چهارم «غامض» است که منطوق آن بر دو معنای مجازی و حقیقی، یکسان دلالت می‌کند و از منطوق نمی‌توان معنای مراد را تعیین کرد. گاه بر این امر «غامض» نام «مجمل» نیز می‌نهند. تمامی این اقسام چهارگانه از رابطه منطوق ترکیب زبانی با معنا یا دلالت آن پدید می‌آیند (ابوزید، ۱۳۸۹، ص. ۳۰۰).

۳. روش پژوهش

به منظور دستیابی به الگویی جامع برای ارزیابی ترجمه قرآن، لازم است الگوهای موجود و کارآمدی مؤلفه‌های آن‌ها در نقد ترجمه قرآن بررسی شوند. پژوهش حاضر از میان این الگوها، الگوی مبدأگرایی برمن را برگزیده و از میان سیزده گرایش آن، به بررسی و نقد شفاف‌سازی در ترجمه قرآن می‌پردازد تا میزان کارآمدی آن به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های الگوی ارزیابی ترجمه قرآن روشن شود. در راستای این الگوی مبدأگرا، ترجمه مبدأگرایی رضایی اصفهانی از سوره‌های انفال، توبه، احزاب، حجرات و تحریم مورد تحلیل قرار می‌گیرد. محمدعلی رضایی اصفهانی برای اولین بار اقدام به ترجمه گروهی قرآن کرده، این کار را در سال ۱۳۷۷ آغاز و در سال ۱۳۸۳ به پایان رسانده است. این گروه مترجمان متشکل از هفت متخصص در زمینه‌های ادبیات عرب، تفسیر، واژه‌شناسی و ویراستاری بوده است که در ۶۰۰ جلسه متمرکز کار ترجمه را در هشت مرحله انجام داده‌اند. این مراحل عبارت‌اند از: بررسی مبانی ترجمه و نقدهای پیشین از ترجمه‌های قرآن، مطالعه هر آیه و بررسی واژگان، اعراب، علوم قرآن و تفسیر آیه، بررسی جمعی ترجمه آیه و همسان‌سازی جملات و انتخاب واژگان، نگارش اولیه ترجمه، بازخوردگیری، ویرایش محتوایی و صوری و مقابله (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶، ص. ۵/۲). رضایی اصفهانی روش ترجمه خود را روش جمله به جمله در مقابل روش کلمه به کلمه و آزاد معرفی می‌کند. اولویت اول در ترجمه او، دقت است و از مبانی تفسیری، کلامی، واژگانی و ادبی خاصی پیروی می‌کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶، ص. ۷). در این تحلیل مواردی که مترجم دست به شفاف‌سازی زده، مطالعه می‌شود و با مقایسه با سایر ترجمه‌ها از جمله ترجمه آیتی، الهی قمشه‌ای، جلال‌الدین فارسی، فولادوند و مکارم و سپس تحلیل متن، امکان یا عدم امکان اجتناب از شفاف‌سازی بررسی می‌شود. مواردی که رضایی اصفهانی یا سایر مترجمان موفق به اجتناب از شفاف‌سازی شده‌اند، می‌تواند از مصادیق تحلیل مثبت و موارد شفاف‌سازی اجباری می‌تواند به‌عنوان ملاحظات بر این الگو در ارزیابی ترجمه قرآن به زبان فارسی مد نظر قرار گیرند.

۴. نتایج و بحث

اگرچه گرایش شفاف‌سازی در ترجمه ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، در مواردی که مطلبی در متن اصلی باید مبهم باشد، این کار یک تغییر منفی به‌شمار می‌رود. برای ارزیابی شفاف‌سازی در ترجمه قرآن، باید ابهام‌های قرآن را دسته‌بندی کرد. اگر عبارتی در قرآن بدون ابهام باشد و به دلیل تفاوت‌های ساختاری یا فرهنگی دو زبان در ترجمه دچار ابهام شود، رفع این ابهام در ترجمه ضروری است. اما اگر ابهام موجود در قرآن هدفمند باشد، شفاف‌سازی به‌عنوان یک مولفه منفی در نظر گرفته می‌شود. حروف مقطعه، آیات و واژگان متشابه و مجمل از ابهامات هدفمند قرآن به‌شمار می‌روند. بنابراین شفاف‌سازی در ترجمه قرآن گاه اجباری و ناشی از تفاوت‌های ساختاری دو زبان و گاه اختیاری است و در ترجمه آیات متشابه و مجمل صورت می‌گیرد. در زیر مصادیق هریک از این دو در ترجمه رضایی اصفهانی بررسی و با سایر ترجمه‌ها مقایسه می‌شود.

۴. ۱. شفاف‌سازی اجباری

در زبان فارسی بر خلاف زبان عربی ضمیر و صیغه مؤنث و مثنی وجود ندارد. از این رو در چنین مواردی ترجمه ضمیر بدون اشاره به مرجع در ترجمه ابهامی ایجاد می‌کند که در متن اصلی وجود نداشته است. بنابراین مترجم ناگزیر از ذکر مرجع ضمیر است. این نوع شفاف‌سازی اجباری است و به تفاوت ساختاری دو زبان بازمی‌گردد.

مثال ۱: الف) وَ إِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ (تحریم / ۳).

ترجمه رضایی اصفهانی: و (یاد کن) هنگامی را که پیامبر با برخی از همسرانش سخنی پنهانی گفت، و [لی] هنگامی که (همسرش) آن را خبر [چینی] کرد و خدا آن را بر آن (پیامبر) آشکار ساخت، برخی از آن را (به او) شناساند و از برخی [دیگر]

روی گرداند و هنگامی که آن (همسرش) را بدان خبر داد، گفت: «چه کسی این را به تو خبر داد؟! «گفت:» (خدای) دانا [و] آگاه، به من خبر داد!».

در این آیه مترجم ناچار شده صیغه‌های مؤنث را با ذکر مرجع ضمیر مشخص کند. در ترجمه تحت‌اللفظی صفی‌علیشاه این شفاف‌سازی صورت نگرفته و مخاطب در پیدا کردن مرجع ضمیر دچار سردرگمی می‌شود:

ترجمه صفی‌علیشاه: و هنگامی که پنهان گفت نبی به بعضی از ازواجش سخنی را، پس چون خبر داد به او و اطلاع داد او را خدا بر او، بیان کرد بعضش را و اعراض نمود از بعضی، پس چون خبر دادش به او، گفت کی خبر داد ترا این، گفت خبر داد مرا دانای آگاه.

(ب) *إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ (تحریم/۴).*

ترجمه رضایی اصفهانی: اگر شما دو (همسر پیامبر) به سوی خدا بازگردید پس (به سود شماست، چرا که) به یقین دل‌های شما (به کژی) گراییده است و اگر بر ضد او یکدیگر را کمک کنید پس (زیانی به او نمی‌رسانید، چرا) که خدا فقط یاور اوست. ترجمه مکارم: اگر شما (همسران پیامبر) از کار خود توبه کنید (به نفع شماست، زیرا) دل‌هایتان از حق منحرف گشته.

رضایی اصفهانی در ترجمه این آیه صیغه‌مثنی را که در فارسی معادل ندارد، شفاف‌سازی کرده، ولی این ساختار در ترجمه مکارم با صیغه جمع معادل‌سازی شده و باعث تعمیم خطاب آیه به تمام همسران پیامبر می‌شود.

بعضی از اصطلاحات فرهنگی که ویژه یک فرهنگ خاص‌اند، در فرهنگ مقصد معادلی ندارند. از این رو باید در زبان مقصد شرح داده شوند. یکی از این اصطلاحات «ظهار» است که از رسوم جاهلیت بوده، در فرهنگ فارسی کاربرد و معادلی ندارد. در جاهلیت مرد با گفتن عبارت «أنت منی کظهر أمی» یا «ظهرک علی کظهر أمی» زن را طلاق می‌داد و این کار «ظهار» نامیده می‌شد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۷۵/۱۶). در سوره احزاب این اصطلاح به شکل فعل به کار رفته است:

(پ) *أَزْوَاجَكُمْ الْأَيُّ تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ (احزاب/۴)*

ترجمه رضایی اصفهانی: همسرانتان را که نسبت به آنان «ظهار» می‌کنید (و مادر خود می‌خوانید).

ترجمه مکارم: همسرانتان را که مورد ظهار قرار می‌دهید.

از آنجایی که اصطلاح ظهار بر خلاف اصطلاحاتی مانند انفاق، زکات و غیره برای اغلب مخاطبان فارسی‌زبان شناخته‌شده نیست، توضیح آن اولویت دارد و نمی‌توان آن را شفاف‌سازی منفی به‌شمار آورد. در ترجمه رضایی اصفهانی معنای این اصطلاح ذکر شده، اما در ترجمه مکارم به‌صورت قرضی ترجمه شده است.

زبان عربی، زبانی اشتقاقی است و ساختار کلمه باعث ایجاد تغییراتی در معنای آن می‌شود. در واقع یک واژه در عربی دارای چند دلالت است که بخشی از آن ناشی از ریشه و بخشی از آن ناشی از ساختار واژه است. این خاصیت در زبان فارسی به این شکل وجود ندارد و گاه مترجم ناچار می‌شود دلالت ریشه کلمه و دلالت ساختار آن را با استفاده از چند واژه منتقل کند. یکی از ساختارهایی که در زبان عربی ایجاد ایجاز کرده، مترجم فارسی‌زبان را دچار مشکل می‌کند، استفاده از حرف تعریف «ال» است. این حرف دارای چندین کاربرد است که در هریک از آن‌ها معنایی متفاوت را افاده می‌کند. انواع «ال» در زبان عربی عبارت‌اند از: «ال» تعریف که به سه دسته عهد ذهنی، ذکری و حضوری تقسیم می‌شود. در عهد ذهنی، علت معرفه بودن اسم سابقه‌آشنایی گوینده و مخاطب با آن اسم است. مانند: اشتریتُ الکتابَ أمس: دیروز کتاب را خریدم. گوینده از کتاب به‌خصوصی حرف می‌زند که مخاطب نیز آن را می‌شناسد. در عهد ذکری گوینده به‌دلیل اینکه در جمله‌های پیشین نامی از اسم به میان آورده، هنگام تکرار اسم به آن «ال» می‌افزاید و آن را معرفه می‌کند. در عهد حضوری، دلیل معرفه بودن اسم، حضور گوینده و مخاطب در آن است و نیازی به معادل ندارد، مانند الیوم (امروز). یکی از دیگر انواع «ال» در زبان عربی نشان‌دهنده جنس است و بر افراد آن جنس دلالت می‌کند و به معنای «کل» است و برای ترجمه آن در فارسی می‌توان از معادل‌هایی نظیر همه یا همگی استفاده کرد (ناظمیان، ۱۳۸۶، ص. ۳۰).

ت) وَ مَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ (انفال/۳۵).

ترجمه رضایی اصفهانی: و نمازشان نزد خانه (خدا)...

ترجمه پورجوادی: نمازشان در آن خانه ...

ال در واژه «الْبَيْت» عهد ذهنی است و مخاطب عصر نزول قرآن با شنیدن «الْبَيْت» و با توجه به سیاق متوجه «بیت‌الحرام» می‌شود. اما واژه خانه در ترجمه فارسی چنین معنایی را منتقل نمی‌کند و معادل معنایی دقیقی نیز برای ال عهد ذهنی در فارسی وجود ندارد، از این رو رضایی اصفهانی برای تخصیص معنا ناچار شده واژه (خدا) را در پرانتز اضافه کند. در ترجمه پورجوادی «ال» با صفت اشاره «آن» جایگزین شده است. گاهی کاربرد کلمه در وزنی خاص معنایی متمایز به آن می‌بخشد. بعضی از لغت‌شناسان درباره واژه فرقان بر وزن فُعلان، چنین دیدگاهی دارند و آن را مختص به جداکننده حق از باطل می‌دانند. مثلاً در مفردات آمده که فرقان از فرق بلیغ‌تر است، زیرا در فرق بین حق و باطل به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص. ۶۳۳). در قاموس و اقرب نیز قید حق و باطل در معنای کلمه در نظر گرفته شده، اما طبرسی می‌گوید هر فرق‌گذارنده‌ای فرقان نامیده می‌شود و قرآن را از آن جهت فرقان می‌گوییم که فارق بین حق و باطل است (به نقل از قرشی، ۱۳۷۱، ۱۶۷/۵).

(ث) يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا (انفال/۲۹).

ترجمه رضایی اصفهانی: برای شما جداکننده [حق از باطل] قرار می‌دهد.

ترجمه صفارزاده: خداوند به شما فرقان می‌بخشد.

با توجه به توضیحات بالا، اگر قید حق و باطل در خود واژه فرقان باشد، افزودن این قید در ترجمه شفاف‌سازی نیست، اما اگر خارج از واژه باشد، افزودن آن شفاف‌سازی بوده ولی با توجه به اینکه دلالت آن بر حق و باطل در آیه روشن است، گرایشی منفی به‌شمار نمی‌رود. در ترجمه صفارزاده این واژه به‌صورت قرضی ترجمه شده است. پدیده اشتراک لفظی در زبان عربی و قرآن همانند سایر زبان‌ها وجود دارد. در علوم قرآن در بحث «وجوه و نظائر» از مشترکات لفظی بحث می‌شود. یکی از واژگان چند معنای قرآن کریم واژه «فتنه» است که در قرآن در سه معنای آزمایش، عذاب، شرک، گمراهی، نفاق، بلا، عبرت، عذر و جنون به‌کار رفته است (رضوانی،

۱۳۹۰، ص. ۳۵). با توجه به این اشتراک لفظی، مترجم ناچار است در هر کاربرد، معادلی متفاوت برای این واژه برگزیند.

ج) **يُؤْنِكُمُ الْفِتْنَةَ** (توبه/۴۷)

ترجمه رضایی اصفهانی: بین شما به فتنه‌جویی (و تفرقه‌افکنی بین) شما می‌پرداختند.

ترجمه آیتی: تا فتنه‌انگیزی کنند.

رضایی اصفهانی (۱۳۸۶) در پیوست ترجمه خود به اشتراک لفظی این واژه اشاره کرده، می‌گوید: «در این ترجمه، به وجوه و نظایر توجه شده است (مانند واژه‌های فتنه، امت، قضی و ...) و از منابعی همچون وجوه و نظایر دامغانی و... استفاده کرده‌ایم (مانند فتنه به معنای آزمایش (بقره/۱۰۲)، و آشوبگری (بقره/۱۹۱ و ۱۹۳) و فتنه‌جویی (آل‌عمران/۷)» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶، ۱۴/۲). بنابراین شفاف‌سازی در ترجمه این آیه به‌عنوان راهکاری برای برون‌رفت از چالش چندمعنایی واژگان مشترک لفظی آگاهانه توسط مترجم صورت گرفته است. اما اینکه مترجم واژه فتنه‌جویی را به‌عنوان معادل ذکر کرده، و مصداق آن (تفرقه‌افکنی) را در پراتنز آورده است، احتمالاً از این رو بوده که به اصل واژه مشترکی که در قرآن به‌کار رفته، اشاره کرده باشد و در ازای یک واژه در متن اصلی، چند واژه متفاوت در متن ترجمه نیآورده باشد و اصل همسان‌سازی واژه‌های مکرر قرآن را تا حد امکان رعایت کرده باشد. در ترجمه آیتی خود واژه ذکر شده و به تفاوت معنایی آن با سایر کاربردها اشاره‌ای نشده است.

۴. ۲. شفاف‌سازی اختیاری

در مواردی که شفاف‌سازی در ترجمه ضرورتی نداشته باشد، استفاده از آن گرایشی منفی است و به‌خصوص در ترجمه مبدأگرا باید از آن اجتناب شود. رضایی اصفهانی در مواردی بدون ضرورت به این گرایش روی آورده است. استفاده‌های غیرضروری از این گرایش در موارد زیر بررسی می‌شود.

اگرچه توضیحات تفسیری در ترجمه‌های محتوایی قرآن مجاز است، ترجمه‌ای که ویژگی بارز خود را دقت و وفاداری معرفی می‌کند، باید توضیحات تفسیری را به سایر انواع ترجمه‌ها و تفاسیر واگذار کند و افزودن توضیحات تفسیری در چنین ترجمه‌ای پذیرفته نیست. رضایی اصفهانی در پیوست ترجمه خود گفته «هدف این ترجمه ارائه برگردانی دقیق، صحیح، رسا و سلیس از قرآن کریم است ولی مهم‌ترین دغدغه گروه دقت در ترجمه بوده است». از این رو توضیحاتی که نقش رفع ابهام از معنای جمله را ندارند، در این ترجمه همگی از مصادیق شفاف‌سازی منفی‌اند. نمونه‌هایی از این شفاف‌سازی‌های تفسیری در زیر آمده است.

مثال ۲: الف) إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ (انفال/۲).

ترجمه رضایی اصفهانی: هرگاه خدا یاد شود، دل‌هایشان (از عظمت خدا و کیفر او) بهراسد.

ترجمه مکارم: مؤمنان، تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دل‌هایشان ترسان می‌گردد.

ب) وَ اضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ (انفال/۱۲).

ترجمه رضایی اصفهانی: و همه انگشتان (و دست و پای) شان را قطع کنید.

ترجمه مکارم: و همه انگشتانشان را قطع کنید.

پ) يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (انفال/۳۴).

ترجمه رضایی اصفهانی: آنان از (عبادت مردم در) مسجد الحرام جلوگیری می‌کنند.

ترجمه جلال‌الدین فارسی: با اینکه آنان راه مسجد الحرام بر می‌بندند.

ت) وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ (احزاب/۵).

ترجمه رضایی اصفهانی: و در مورد آنچه در آن (صدا زدن‌ها) خطا کرده‌اید، هیچ گناهی بر شما نیست.

ترجمه الهی قمشه‌ای: و در کار ناشایسته‌ای که به خطا کنید بر شما گناهی نیست.
(ث) حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرِهِ (توبه/۲۴).

ترجمه رضایی اصفهانی: تا خدا فرمان (عذاب) ش را (به اجرا در) آورد.
ترجمه آیتی: تا خدا فرمانش را بیاورد.

(ج) ثُمَّ لَمْ يَنْقُصْكُمْ شَيْئًا (توبه/۴).

ترجمه رضایی اصفهانی: سپس هیچ چیزی (از تعهدات خود را) نسبت به شما فروگذار نکرده‌اند.

ترجمه مکارم: و چیزی از آن را در حق شما فروگذار نکردند.

(چ) وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (انفال/۳).

ترجمه رضایی اصفهانی: و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، (در راه خدا) مصرف می‌کنند.

ترجمه مکارم: و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند.

(ح) قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا (توبه/۵۳).

ترجمه رضایی اصفهانی: بگو: خواه یا ناخواه (اموالتان را در جهاد) مصرف کنید.
ترجمه مکارم: بگو: انفاق کنید خواه از روی میل باشد یا اکراه.

(خ) فَاتَّقُوا اللَّهَ (انفال/۱).

ترجمه رضایی اصفهانی: [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید.

ترجمه فولادوند: پس از خدا پروا دارید.

(د) إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ (انفال/۲۹).

ترجمه رضایی اصفهانی: اگر خودتان را از (مخالفت فرمان) خدا حفظ کنید.
ترجمه فولادوند: اگر از خدا پروا دارید.

در الگوی برمن به کاهش چندمعنایی به تک‌معنایی اشاره شده است. اگر توضیحات تفسیری باعث تخصیص آیه به یکی از وجوه تفسیری شود، مصداق این کاهش و بر خلاف امانت‌داری در ترجمه خواهد بود. رضایی اصفهانی (۱۳۸۶) در بیان مبانی تفسیری ترجمه خود می‌گوید «در مواردی که مفسران قرآن دیدگاه‌های

متفاوتی در تفسیر آیه‌ای داشته‌اند، این ترجمه به صورتی ارائه شده که با همه دیدگاه‌ها سازگار باشد و در مواردی که جمع نظرهای مفسران ممکن نبوده، دیدگاه مشهور مفسران مد نظر قرار گرفته است» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶، ۱۰/۲). گاهی مترجم با ارائه توضیحی تفسیری از دلالت معنایی آیه کاسته، آن را به یکی از احتمالات تفسیری محدود می‌کند. مترجم در مثال (الف)، علت ترس را به کیفر و عظمت خدا محدود کرده است. در مثال (ب) مصداق بنان، در (پ) موضوع بازداری، در (ت) موضوع خطا و در (ث) مصداق امر محدود شده است. در (ج) با توجه به اینکه در ابتدای آیه آمده است «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» مشخص است که فروگذار نکردن مربوط به عهد و پیمان است و اگر نیاز به ذکر متعلق آن بود، در آیه ذکر می‌شد. پس این افزوده از سوی مترجم ضرورتی ندارد و تشخیص آن به عهده مخاطب است. درباره مثال (چ) و (ح) باید گفت که اگرچه انفاق در اصل به معنای خرج کردن و مصرف کردن است، اما در قرآن به معنای خرج کردن مال در راه خدا و صدقه به کار رفته و کلمه انفاق با همین معنا در فارسی به عنوان یک اصطلاح دینی رواج پیدا کرده است. اگر مترجم این اصطلاح را به همین شکل در ترجمه ذکر می‌کرد، ناچار به شفاف‌سازی در پراکنش نمی‌شد. در مثال (خ) و (د) مترجم در هر آیه یک مصداق برای تقوا مطرح کرده است، در حالی که بیان آیه عام است. مثال‌هایی که از سایر مترجمان ذکر شده نشان می‌دهد که اجتناب از شفاف‌سازی در ترجمه این آیات، آسیبی به معنا نمی‌زند. یکی از ابهامات هدفمند قرآن آیات و واژگان متشابه است که مذاهب مختلف آن‌ها را به اشکال مختلف تفسیر می‌کنند. در آیات زیر ترجمه رضایی اصفهانی با بعضی از ترجمه‌های دیگر از آیات متشابه مقایسه شده است.

مثال ۳: الف) ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ (اعراف/۵۴).

ترجمه رضایی اصفهانی: سپس بر تخت (جهانداری و تدبیر هستی) تسلط یافت.

ترجمه مکارم: سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت.

ترجمه جلال‌الدین فارسی: آنگاه بر عرش قرار یافت.

ب) **بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ** (مائده/۶۴).

ترجمه رضایی اصفهانی: بلکه هر دو دستِ (قدرت) او، گشاده است.
ترجمه آیتی: دست‌های خدا گشاده است.

پ) **يُدُ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ** (فتح/۱۰).

ترجمه رضایی اصفهانی: دست (قدرت) خدا بر فراز دستان آنان است.
ترجمه آیتی: دست خدا بالای دست‌هایشان است.

ت) **لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ** (فتح/۲).

ترجمه رضایی اصفهانی: تا خدا آنچه از پیامد (کار) تو مقدم شده و آنچه مؤخر شده را برایت ببامزد.

ترجمه مکارم: تا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ای را که به تو نسبت می‌دادند ببخشد.

ترجمه آیتی: تا خدا گناه تو را آنچه پیش از این بوده و آنچه پس از این باشد برای تو ببامزد.

ث) **وَ بَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلِمًا بَسِيمًا هُمْ** (اعراف/۴۶).

ترجمه رضایی اصفهانی: و در میان آن دو [گروه بهشتیان و دوزخیان] مانعی است و بر بلندی‌ها (اعراف، راد) مردانی هستند که هر یک (از آن دو گروه) را از چهره‌شان می‌شناسند.

ترجمه مکارم: و در میان آن دو [بهشتیان و دوزخیان]، حجابی است و بر «اعراف» مردانی هستند که هر یک از آن دو را از چهره‌شان می‌شناسند.

ج) **وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا لُؤْلُؤُ أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ** (یوسف/۲۴).

ترجمه رضایی اصفهانی: و بیقین (آن زن) آهنگ او کرد و (یوسف نیز) اگر دلیل روشن پروردگارش را ندیده بود، آهنگ وی می‌نمود.

ترجمه مکارم: آن زن قصد او کرد و او نیز- اگر برهان پروردگار را نمی‌دید- قصد وی می‌نمود.

مترجم در (الف) با افزودن عبارت «جهان‌داری و تدبیر هستی» و در (ب) و (پ) با افزودن «قدرت» از آیه متشابه رفع ابهام کرده است. در ترجمه آیتی این شفاف‌سازی‌ها صورت نگرفته است. در (ت) مترجم با استفاده از یکی دیگر از معادل‌های واژه «ذنب» از نسبت دادن گناه به پیامبر احتراز جسته است. در ترجمه مکارم با افزودن عبارت «به تو نسبت می‌دادند» همین رفع شبهه صورت گرفته، اما در ترجمه آیتی عبارت موجود در آیه به شکل خود حفظ شده است. در (ث) و (ج) مترجم واژه «اعراف» و «برهان» را معادل‌سازی کرده است. بعضی از صاحب‌نظران قائلند که این واژگان از متشابهات قرآن هستند و نباید ترجمه شوند. در ترجمه مکارم این دو واژه به شکل خود حفظ شده‌اند.

در زبان عربی «حذف» غالباً با دلایل بلاغی صورت می‌گیرد، به طوری که بحث حذف یک باب از علم معانی را به خود اختصاص داده است. قرآن نیز از اسلوب حذف به مراتب بهره برده است. اما مترجمان غالباً عبارات محذوف و مقدر قرآن را آشکار کرده‌اند. وقتی این آشکارسازی به غرض بلاغی آسیب برساند، مصداق شفاف‌سازی منفی به شمار می‌رود.

مثال ۴: الف) وَ لَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ رَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ (توبه/۵۹).

ترجمه رضایی اصفهانی: و اگر (بر فرض) آنان به آنچه خدا و فرستاده‌اش به آنان داده، راضی می‌شدند و می‌گفتند: «خدا ما را بس است بزودی خدا و فرستاده‌اش، از بخشش خود به ما می‌دهند برآستی که ما تنها به سوی خدا مشتاقیم.» (این برای آنان بهتر بود).

ترجمه پورجوادی: اگر به آنچه خدا و رسولش به آن‌ها داده است راضی باشند، و بگویند: «خدا برای ما کافی است، به زودی خدا و رسولش از فضل خود به ما عطا فرماید- ما فقط مشتاق خدا هستیم..»

ب) *إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ* (تحریم/۴).

ترجمه رضایی اصفهانی: اگر شما دو (همسر پیامبر) به سوی خدا بازگردید پس (به سود شماست، چرا که) به یقین دل‌های شما (به کثرت) گراییده است و اگر بر ضد او یکدیگر را کمک کنید پس (زیانی به او نمی‌رسانید، چرا) که خدا فقط یاور اوست. ترجمه خواجه‌سوی: اگر هر دو بدرگاه خدا توبه برید، معلوم است که دل‌های شما بگشته است، و اگر بر ضد او همپشتی کنید، خداوند و جبرئیل و صالح مؤمنان یاور اویند.

در (۴ الف) جواب شرط «لو» محذوف است و تقدیر آن در اعراب القرآن به این صورت آمده است: «لو فعلوا ذلك لكان خيراً لهم» (صافی، ۱۴۱۸، ۳۷۰/۱۰). مترجم جواب شرط مقدر را در ترجمه در پراکنش ظاهر کرده است. این کار معمولاً توسط مترجمان انجام شده و تنها در ترجمه‌های تحت‌اللفظی از ذکر جواب شرط مقدر اجتناب شده است. در (ب) نیز همین سبک و همین شفاف‌سازی تکرار شده است.

پ) *كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ* (توبه/۶۹).

ترجمه رضایی اصفهانی: (شما منافقان)، همچون کسانی هستید که پیش از شما بودند.

ترجمه آیتی: همانند کسانی که پیش از شما بودند.

ت) *بِرَاءةٍ مِّنَ اللَّهِ* (توبه/۱).

ترجمه رضایی اصفهانی: (این آیات، اعلام) عدم تعهدی است....

ترجمه معزی: بی‌زاری از خدا و پیمبرش.

در (پ) براساس احتمالات ذکر شده در اعراب القرآن، مبتدای محذوف ممکن است «أنتم»، «وعد» یا چیز دیگری باشد (صافی، ۱۴۱۸، ۳۷۰/۱۰)، اما مترجم با انتخاب یک وجه باعث فروکاستن چند معنایی به تک معنایی شده است. در (ت) نیز مبتدای محذوف در ترجمه ذکر شده است. غرض از کاربرد ضمیر، اجتناب از کاربرد اسم است. اگر متکلم قصد داشته باشد مستقیماً به مرجع اشاره کند، به استفاده از

اسامی مبهمی مانند ضمیر و اسم اشاره روی نمی‌آورد. مترجم با اشاره به مرجع ضمیر در ترجمه غرض متکلم را در عدم ذکر اسم باطل می‌کند. نمونه‌های اشاره به مرجع ضمیر و اسم اشاره در زیر آمده است:

مثال ۵: الف) يَسْئَلُونَكَ (انفال/۱).

ترجمه رضایی اصفهانی: (ای پیامبر) از تو ... پرسش می‌کنند.

ترجمه آیتی: تو را از غنایم جنگی می‌پرسند.

ب) إِلَّا تَنْصُرُوهُ (توبه/۴۰).

ترجمه رضایی اصفهانی: اگر او، [یعنی پیامبر] را یاری نکنید.

ترجمه آیتی: اگر شما یاریش نکنید.

پ) لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ (توبه/۴۳).

ترجمه رضایی اصفهانی: چرا به آن (منافق) ان رخصت دادی.

ترجمه مکارم: چرا به آن‌ها اجازه دادی؟!.

ت) وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ (توبه/۶۱).

ترجمه رضایی اصفهانی: و از آن (منافق) ان کسانی هستند.

ترجمه مکارم: از آن‌ها کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند.

ث) إِلَى يَوْمٍ يَلْقَوْنَهُ (توبه/۷۷).

ترجمه رضایی اصفهانی: و تا روزی که ایشان آن [خدا] را ملاقات کنند.

ترجمه فولادوند: تا روزی که او را دیدار می‌کنند.

ج) وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى (انفال/۱۰).

ترجمه رضایی اصفهانی: و خدا آن (وعده امداد غیبی) را جز مژده‌ای ...

ترجمه مکارم: ولی خداوند، این را تنها برای شادی و اطمینان قلب شما قرار داد.

چ) لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا (توبه/۴۲).

ترجمه رضایی اصفهانی: اگر (بر فرض دعوت تو به سوی غنیمت) ناپایدار

نزدیکی، و سفری کوتاه (و آسان) بود.

ترجمه آیتی: اگر متاعی دست‌یافتنی بود یا سفری بود نه چندان دراز.

ح) إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (انفال/۳۱).

ترجمه رضایی اصفهانی: این [قرآن] جز افسانه‌های پیشینیان نیست!

ترجمه آیتی: این چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست.

خ) ذَلِكُمْ فَذُوقُوهُ (انفال/۱۴).

ترجمه رضایی اصفهانی: این [مجازات دنیاست] پس آن را بچشید!

ترجمه گرمارودی: چنین است، آن را بچشید.

د) ذَلِكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ (انفال/۱۸)

ترجمه رضایی اصفهانی: این (سرنوشت مؤمنان و کافران بود.) و در حقیقت خدا

سست‌کننده نیرنگ کافران است.

ترجمه آیتی: اینچنین بود. و خدا سست‌کننده حيله کافران است.

ذ) مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ (توبه/۲۷).

ترجمه رضایی اصفهانی: سپس خدا- بعد از این (جنگ حنین).

ترجمه آیتی: از آن پس خدا توبه هر کس را که بخواهد می‌پذیرد.

در ترجمه (ه الف)، مرجع ضمیر «ک»، در (ب) مرجع ضمیر «ه»، در (پ) و (ت) مرجع ضمیر «هم»، در (ث) و (ج) مرجع ضمیر «ه» و در (چ) مرجع ضمیر مستتر در «کان» آشکار شده است. در (ح)، (خ)، (د) و (ذ) مرجع اسم اشاره تعیین شده، در حالی که بافت کلام مخاطب را متوجه مرجع آن‌ها می‌کند و نیازی به شفاف‌سازی آن‌ها نیست. تمام این شفاف‌سازی‌ها با اختیار مترجم و بدون ضرورت صورت گرفته و دلالت معنایی آیه را کاهش می‌دهد. با مقایسه با سایر ترجمه‌های مذکور روشن می‌شود که در این آیات بدون ذکر مرجع ضمیر و اسما اشاره نیز امکان انتقال معنا وجود دارد.

در قرآن کاربرد استعاری و مجازی به وفور یافت می‌شود. نیومارک برای ترجمه استعاره هفت راهکار ارائه داده است که در ترجمه تحت‌اللفظی، جایگزینی با استعاره زبان مقصد، تبدیل استعاره به تشبیه و توضیح استعاره خلاصه می‌شوند (نیومارک، ۱۹۸۱، ص. ۸۸-۹۱). براساس الگوی برمن، استعاره‌ها و مجازها باید همچون مهمانی

به شکل اصلی خود به زبان مقصد منتقل شوند (امینی، ۱۳۸۸، ص. ۱۴). در زیر شیوه برخورد مترجم با استعاره‌ها و مجازهای قرآنی بررسی می‌شود.

مثال ۶: الف) **يَرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ** (توبه/ ۸).

ترجمه رضایی اصفهانی: شما را با دهان (و سخنان) شان خشنود می‌کنند.

ترجمه مکارم: شما را با زبان خود خشنود می‌کنند.

ب) **و يَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ** (توبه/ ۶۱).

ترجمه رضایی اصفهانی: و می‌گویند: او گوش (ی، و خوش‌باور) است!

ترجمه پاینده: و گویند: او گوش است.

پ) **و يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ** (توبه/ ۶۷).

ترجمه رضایی اصفهانی: دست‌هایشان را (از بخشش فرو) می‌بندند.

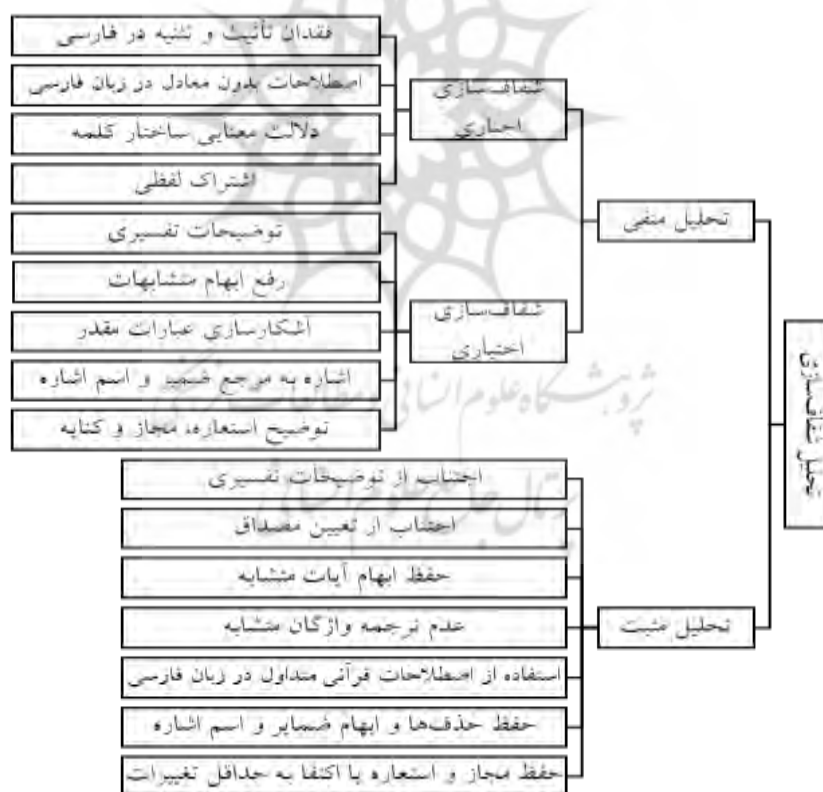
ترجمه ارفع: و دست‌هایشان را می‌بندند.

در مثال ۶ الف، افواه مجاز از سخنان است که مترجم دلالت آن را در ترجمه بازگشایی کرده است. اما مکارم با استفاده از معادل «زبان» به جای «دهان» کاربرد مجازی متداول در فارسی را به کار گرفته است. در (ب) «اذن» کنایه از «خوش‌باوری» است که مترجم به آن اشاره کرده است، ولی در ترجمه پاینده به ترجمه تحت‌اللفظی اکتفا شده است. براساس الگوی برمن در این موارد باید غرابت متن مبدأ حفظ شود. عبارت (پ) استعاره از «بخل» است که در ترجمه شفاف‌سازی شده است.

۳.۴. تحلیل مثبت

گفته شد که برمن الگوی خود را محدود به گرایش‌های منفی می‌داند و از سایر مترجمان و نویسندگان می‌خواهد که این الگو را با تحلیل مثبت و پیدا کردن راهکارهای اجتناب از این گرایش‌ها تکمیل کنند. می‌توان راهکارهای محدود کردن شفاف‌سازی را از طریق مقابله ترجمه با سایر ترجمه‌ها در تحلیل منفی به دست آورد. راهکارهایی را که سایر مترجمان برای اجتناب از شفاف‌سازی به کار برده‌اند، می‌توان در موارد زیر برشمرد: اجتناب از توضیحات تفسیری غیر ضروری مانند ترجمه مکارم

در (۲ الف)، اجتناب از تعیین مصادیق مانند ترجمه‌های سایر مترجمان در مثال‌های (۲)، استفاده از اصطلاحات قرآنی متداول در زبان فارسی مانند ترجمه مکارم در (۲ چ) و (۲ ح)، حفظ ابهام آیات متشابه مانند ترجمه فارسی در (۳ الف) و ترجمه آیتی در (۳ ب، پ و ت)، عدم ترجمه واژگان متشابه مانند ترجمه مکارم در (۳ ث و ج)، حفظ حذف‌های بلاغی آیه مانند ترجمه‌های سایر مترجمان در مثال‌های (۴)، حفظ ابهام ضمیر و اسم اشاره مانند ترجمه‌های سایر مترجمان در مثال‌های (۵)، حفظ مجاز، استعاره و کنایه به شکل موجود در زبان مبدأ مانند ترجمه پاینده در (۶ ب) و اکتفا به حداقل تغییر برای ترجمه مجاز به مجاز متداول در زبان مقصد مانند ترجمه مکارم در (۶ الف). مصادیق شفاف‌سازی اجباری و اختیاری در تحلیل منفی و نیز مصادیق تحلیل مثبت که از سایر ترجمه‌ها استخراج شد، در نمودار ۱ آمده است.



نمودار ۲. تحلیل مثبت و منفی شفاف‌سازی

۵. بحث و نتیجه‌گیری

مؤلفه شفاف‌سازی در موارد بسیاری در ارزیابی ترجمه قرآن کارآمد است، اما با توجه به تنوع زبانی آیات قرآن نمی‌توان شفاف‌سازی را یکسره مثبت یا منفی قلمداد کرد. شفاف‌سازی در ترجمه قرآن به دو دسته اجباری و اختیاری تقسیم می‌شود. شفاف‌سازی‌های اجباری که خود برمن هم به ضرورت آن اذعان دارد، ناگزیر در ترجمه قرآن نیز اتفاق می‌افتد و نمی‌توان نام تغییر یا تحریف بر آن نهاد. بعضی تفاوت‌های ساختاری زبان فارسی و عربی مانند فقدان تأنیث و تثنیه در فارسی یا ویژگی‌های زبان قرآن مانند اصطلاحات خاص قرآن یا اصطلاحات خاص فرهنگ عرب مترجم را ناگزیر از شفاف‌سازی می‌کند. این موارد در بررسی مؤلفه شفاف‌سازی در ترجمه قرآن باید به‌عنوان استثنا مد نظر قرار گیرند. شفاف‌سازی اختیاری در ترجمه قرآن به‌وفور صورت می‌گیرد. در ترجمه‌های محتوایی و تفسیری با توجه به گرایش تفسیری ترجمه این تغییر، توجیه دارد، ولی در ترجمه مبدأگرا مانند ترجمه رضایی اصفهانی، شفاف‌سازی باید به مواردی اجباری محدود شود و توضیحات تفسیری به سایر ترجمه‌ها و تفاسیر واگذار شود.

برای ارزیابی شفاف‌سازی در ترجمه قرآن باید ابهام‌های قرآن را دسته‌بندی کرد. اگر عبارتی در قرآن بدون ابهام باشد و به‌دلیل تفاوت‌های ساختاری یا فرهنگی دو زبان ترجمه دچار ابهام شود، رفع این ابهام در ترجمه ضروری است. اما اگر ابهام موجود در قرآن هدفمند باشد، شفاف‌سازی به‌عنوان یک مؤلفه منفی در نظر گرفته می‌شود و باید از آن اجتناب کرد. حروف مقطعه، آیات و واژگان متشابه و مجمل از ابهامات هدفمند قرآن به‌شمار می‌روند.

برای اجتناب از شفاف‌سازی در ترجمه مبدأگرای قرآن کریم می‌توان از راهکارهایی چون اجتناب از توضیحات تفسیری و تعیین مصادیق، استفاده از اصطلاحات قرآنی متداول در زبان فارسی، حفظ ابهام آیات متشابه، عدم ترجمه واژگان متشابه، حفظ حذف، ابهام ضمیر، اسم اشاره، مجاز، استعاره کنایه و اکتفا به حداقل تغییرات در معادل‌سازی مجازها بهره برد.

برای استفاده از این مؤلفه در ارزیابی ترجمه قرآن باید از دیدگاه قرآن‌پژوهان درباره رفع ابهامات قرآنی بهره گرفت. در میان قرآن‌پژوهان، سه رویکرد مبنی بر حفظ ابهام، رفع ابهام و دسته‌بندی ابهامات وجود دارد. در این میان رویکرد سوم مناسب‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا رویکرد اول مبنی بر حفظ ابهام تمام متشابهات قرآن، ترجمه‌ای مبهم به دست می‌دهد که غرض را برآورده نمی‌سازد. نمونه چنین ترجمه‌هایی در بخش شفاف‌سازی اجباری دیده می‌شود. رویکرد دوم نیز مبنی بر رفع ابهام تمام آن‌ها باعث تخصیص معانی آیات به یک دیدگاه خاص می‌شود که مصادیق آن در نمونه‌های شفاف‌سازی اختیاری آمده است. بنابراین بهتر است رویکردی میانه در این میان برگزید، بدین صورت که آیات مجمل قرآن و پیش‌فرض‌های مترجمان دسته‌بندی شوند. آنگاه اگر شفاف‌سازی در ترجمه ناشی از پیش‌فرض‌های فلسفی، سیاسی، اجتماعی و دیدگاه‌های شخصی مترجم بود، آن را افزوده‌ای منفی دانست. اما ارجاع متشابهات به محکمت برای فهم مقصود قرآن به‌منظور رعایت اصول مسلم اعتقادی که از خود قرآن و عقل به دست می‌آید، در ترجمه لازم است و برای جلوگیری از خلط ترجمه و تفسیر و مبانی کلامی می‌توان از پرنتر استفاده کرد.

برای تقسیم‌بندی ابهامات قرآن می‌توان از مباحث الفاظ علم اصول و برای تقسیم‌بندی متشابهات از مباحث کلامی بهره گرفت، اما پژوهش پیش‌رو از حوصله و تخصص چنین مطالعه‌ای خارج است. بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش جداگانه‌ای توسط آشنایان به مباحث الفاظ علم اصول و نیز متشابهات قرآن در زمینه چگونگی بهره‌گیری از تقسیم‌بندی اصولی ابهامات قرآنی و تقسیم کلامی متشابهات در شیوه ترجمه آن‌ها و تعیین ضرورت شفاف‌سازی یا اجتناب از آن در هر یک از آن موارد صورت بگیرد.

کتابنامه

- ابن عاشور، م. (بی تا). *التحریر و التنویر*. بی جا: بی نا.
- ابوزید، ن. ح. (۱۳۸۹). *معنای متن: پژوهشی در علوم قرآن*. ترجمه مرتضی کریمی نیا. تهران: طرح نو.
- احمدی، م. ر. (۱۳۹۲). *آنتوان برمن و نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنانه»؛ معرفی و بررسی قابلیت کاربرد آن در نقد ترجمه. نقد زبان و ادبیات خارجی، ۵(۱۰)، ۱-۲۱.*
- استادولی، ح. (۱۳۷۳). *لغزش‌گاه‌های ترجمه قرآن کریم*. بینات، ۱، ۸۳-۸۷.
- امیری فر، م.، روشنفکر، م.، پروینی، خ.، و زعفران‌لو، ع. (۱۳۹۶). *خطاهای ترجمه در باهم‌آیی‌های قرآنی با تکیه بر دیدگاه‌های نیومارک، بیکر و لارسون. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۱۶(۱)، ۶۱-۸۶.*
- امینی، ب. (۱۳۸۸). *ترجمه مقدمه و دو فصل نخست از ترجمه و لفظ یا مهمان سرایی در دوردست اثر آنتوان برمن و تحلیل و بررسی بیکره مطالعاتی*. (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید بهشتی، ایران.
- برمن، آ. (۲۰۱۰). *الترجمه و الحرف أو مقام البعد، ترجمه ع. خطابی*. بیروت، لبنان: المنظمة العربیة للترجمة.
- خزاعی فر، ع. (۱۳۸۶). *کاهش و افزایش در ترجمه مجملات و متشابهاات قرآن. نامه فرهنگستان، ۳۴(۲)، ۹-۳۴.*
- دلشاد، ش.، مسبوق، م.، و بخشش، م. (۱۳۹۴). *نقد و بررسی ترجمه شهیدی از نهج البلاغه براساس نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنانه» آنتوان برمن*. *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۲(۴)، ۹۹-۱۲۰.*
- راغب اصفهانی، ح. (۱۴۱۲). *المفردات فی غریب القرآن، دمشق، سوریه: دار العلم*.
- رحیمی خویگانی، م. (۱۳۹۶). *نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم (با تکیه بر سطح معنایی-لغوی گارسس)*. *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۴(۷)، ۶۹-۹۴.*
- رضایی اصفهانی، م. ع. (۱۳۸۴). *بررسی شرایط مترجم قرآن. قرآن پژوهی پیام جاویدان، ۲(۶)، ۵۳-۶۵.*
- رضایی اصفهانی، م. ع. (۱۳۸۵). *مبانی ترجمه قرآن*. بینات، ۴۹ و ۵۰، ۵۳-۷۷.
- رضایی اصفهانی، م. ع. (۱۳۸۶). *ترجمه گروهی قرآن کریم*. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.
- رضوانی، ا.، و قنسولی هزاره، ب. (۱۳۹۰). *چندمعنایی در قرآن کریم، مطالعه موردی ترجمه واژه فتنه. مطالعات زبان و ترجمه، ۴(۴۱) ۳۵-۵۵.*
- زمخشری، م. (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت، لبنان: دار الکتب العربی.

زند و کیلی، م. ت.، و امرایی، م. ح. (۱۳۹۶). ارزیابی مقایسه‌ای انسجام در سوره طارق و ترجمه آن از محمدمهدی فولادوند از دیدگاه نظریه هالییدی و حسن. *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۴ (۷)، ۱-۳۶.

سیوطی، ج. (۱۴۲۱). *الإتقان فی علوم القرآن*. بیروت، لبنان: دارالکتب العربی. صافی، م. (۱۴۱۸). *الجدول فی اعراب القرآن*. دمشق و بیروت: دار الرشید مؤسسه الایمان. طباطبایی، م. ح. (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

غضنفری، م. (۱۳۸۹). نگاهی به تکرارهای واژگانی قرآن از منظر زبان‌شناسی نقشی-سازگانی و دشواری ترجمه این‌گونه عناصر. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۲ (۲)، ۵۸-۷۷.

فرهادی، م.، میرزایی الحسینی، م.، و نظری، ع. (۱۳۹۶). نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجاده براساس نظریه آنتوان برمن (مطالعه موردی: ترجمه انصاریان). *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۷ (۱۷)، ۳۱-۵۴.

قرشی، ع. ا. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه. کرباسی، م. (۱۳۷۳). مترجمان و لغزش در فهم معنایان. *بینات*، ۲، ۷۲-۸۳. کریمی، م. (۱۳۸۳). ضرورت به‌کارگیری باورهای صحیح در ترجمه قرآن. *معرفت*، ۱۳ (۸)، ۲۴-۳۴. کریمی‌نیا، م. (۱۳۷۵). نقد و بررسی ترجمه قرآن کریم از آیت الله مکارم شیرازی. *بینات*، ۹، ۱۴۰-۱۵۳.

مسبوق، م.، و غلامی، ع. ح. (۱۳۹۶). روش‌شناسی برگردان تصویرهای استعاره‌ای صحنه‌های قیامت در قرآن براساس الگوی نیومارک. *پژوهش‌های ادبی قرآنی*، ۲ (۵)، ۱۲۳-۱۵۱.

مسبوق، م.، و گلزار خجسته، ا. (۱۳۹۶). واکاوی ترجمه پورعبادی از حکمت‌های رضوی براساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن. *فصلنامه فرهنگ رضوی*، ۱۹ (۵)، ۱۰۵-۱۲۲. معرفت، م. ه. (۱۳۷۹). *تفسیر و مفسران*. قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.

معرفت، م. ه. (۱۳۸۲). *تاریخ قرآن*. تهران: سمت.

معرفت، م. ه. (۱۴۱۵). *التهمید فی علوم القرآن*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

ناظمیان، ر. (۱۳۸۶). *فن ترجمه (عربی-فارسی)*. تهران: دانشگاه پیام نور.

نرم‌افزار جامع التفاسیر، نسخه ۳.

نیازی، ش.، و قاسمی‌اصل، ز. (۱۳۹۷). *الگوهای ارزیابی ترجمه (با تکیه بر زبان عربی)*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

هاشمی، م.، و حیدرپور، ا. د. (۱۳۹۲). *مبانی معناشناختی نقد ترجمه در ایران معاصر. مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۶(۱)، ۲۰-۴۸.

Berman, A. (2004). *Translation and the trials of the foreign*. (L. Venuti, Trans.). London, England: Routledge.

Newmark, P. (1981). *Approaches to Translation*. Oxford, England: Pergamon.

